



دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی
دانشکده مهندسی برق - گروه کنترل

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

مهندسی برق

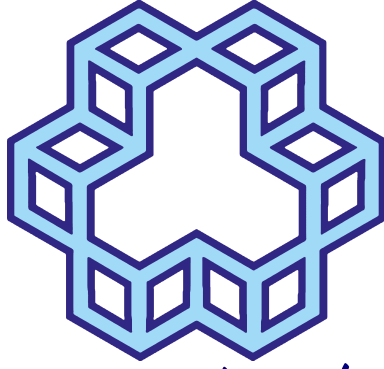
ارائه فرمول بندی یکپارچه بهینه سازی مبتنی بر گراف به منظور کالیبراسیون و تخمین حالت ربات

محمد رضا دیندارلو

استاد راهنما

دکتر حمیدرضا تقی راد

تابستان ۱۴۰۳



دانشگاه خواجہ نصیرالدین طوسی
دانشکده مهندسی برق - گروه کنترل

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد
مهندسی برق

عنوان

ارائه فرمول بندی یکپارچه بهینه سازی مبتنی بر
گراف به منظور کالیبراسیون و تخمین حالت ربات

نگارش

محمد رضا دیندارلو

استاد راهنما

دکتر حمید رضا تقی راد

استادان مشاور

دکتر فلیپ کاردو و دکتر سید احمد خلیل پور

تابستان ۱۴۰۳



تقدیم به:

به آنان که با علم خود زندگی آزاد می سازند



تأییدیه هیئت داوران جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

هیأت داوران پس از مطالعه‌ی پایان‌نامه و شرکت در جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه تهیه‌شده با عنوان «ارائه فرمول بندی یکپارچه بهینه سازی مبتنی بر گراف به منظور کالیبراسیون و تخمین حالت ربات» توسط آقای / خانم محمدرضا دیندارلو صحت و کفایت تحقیق انجام شده را برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مهندسی برق در تاریخ تابستان ۱۴۰۳ مورد تأیید قرار دادند.

۱. استاد راهنما: دکتر حمیدرضا تقی راد..... امضا

۲. استاد مشاور: دکتر فلیپ کاردو..... امضا

۳. استاد مشاور: دکتر سید احمد خلیل پور..... امضا

۴. استاد داور داخلی: دکتر داور داخلی..... امضا

۵. استاد مدعو: دکتر داور خارجی..... امضا

۶. نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر نماینده..... امضا



دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

اظهارنامه دانشجو

اینجانب محمدرضا دیندارلو به شماره دانشجویی ۴۰۰۳۰۸۲۴ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی مهندسی برق دانشکده برق دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان‌نامه با عنوان:

ارائه فرمول بندی یکپارچه بهینه سازی مبتنی بر گراف به منظور کالیبراسیون و تخمین حالت ربات

توسط اینجانب انجام و بدون هرگونه دخل و تصرف است و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده‌ام. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی و غیره) با اینجانب رفتار خواهد شد. در ضمن، مسئولیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده‌ی اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمدرضا دیندارلو

تاریخ و امضای دانشجو:



حق طبع، نشر و مالکیت نتایج

حق چاپ و تکثیر این پایان نامه متعلق به نویسندگان آن می باشد. بهره برداری از این پایان نامه در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می گردد، بلامانع است:

☐ بهره برداری از این پایان نامه برای همگان و با ذکر منبع، بلامانع است.

☐ بهره برداری از این پایان نامه با اخذ مجوز از استاد راهنما و با ذکر منبع، بلامانع است.

☐ بهره برداری از این پایان نامه تا تاریخ _____ ممنوع است.

استاد راهنما: دکتر حمیدرضا تقی راد امضا

استاد مشاور: دکتر فلیپ کاردو امضا

استاد مشاور: دکتر سید احمد خلیل پور امضا

قدردانی

اکنون که به یاری پروردگار و یاری و راهنمایی اساتید بزرگ موفق به پایان این رساله شده‌ام وظیفه خود دانسته که نهایت سپاسگزاری را از تمامی عزیزانی که در این راه به من کمک کرده‌اند را به عمل آورم: در آغاز از استاد بزرگ و دانشمند جناب آقای/سرکار خانم که راهنمایی این پایانامه را به عهده داشته‌اند کمال تشکر را دارم. از جناب آقایان/ خانم‌ها که اساتید مشاور این پایانامه بوده‌اند نیز قدردانی می‌نمایم. از داوران گرامی ... که زحمت داوری و تصحیح این پایانامه را به عهده داشتند کمال سپاس را دارم. خالصانه از تمامی اساتید و معلمان و مدرسانی که در مقاطع مختلف تحصیلی به من علم آموخته و مرا از سرچشمه دانایی سیراب کرده‌اند متشکرم. از کلیه هم دانشجویان و همراهان عزیز، دوستان خوبم خانم‌ها و آقایان نهایت سپاس را دارم. و در پایان این پایان‌نامه را تقدیم می‌کنم به که با حضورش و همراهی اش همیشه راه را به من نشان داده و مرا در این راه استوار و ثابت قدم نموده است.

محمدرضا دیندارلو

تابستان ۱۴۰۳

چکیده

واژگان کلیدی

فهرست مطالب

پ	فهرست تصاویر
ت	فهرست جداول
ث	فهرست الگوریتم‌ها
ج	فهرست برنامه‌ها
۱	فصل ۱: مقدمه
۳	فصل ۲: مروری بر مطالعات انجام شده
۵	فصل ۳: رویکرد گراف مبنا موقعیت‌یابی و کالیبراسیون به صورت همزمان
۵	۱.۳ مقدمه
۶	۲.۳ روش‌های مرسوم مسئله کالیبراسیون
۷	۱.۲.۳ ترکیب حسگرها
۸	۲.۲.۳ ترکیب شبه اندازه‌گیری‌ها
۸	۳.۳ روش‌های مرسوم مسئله موقعیت‌یابی
۱۰	۴.۳ رویکرد گراف مبنا برای حل مسئله کالیبراسیون و موقعیت‌یابی به صورت همزمان
۱۱	۱.۴.۳ بیان الگوریتم گراف عامل
۱۲	۲.۴.۳ گراف عامل پیشنهادی برای کالیبراسیون و موقعیت‌یابی به صورت همزمان
۱۷	۵.۳ نتیجه‌گیری

فصل ۴: پیاده سازی رویکرد گراف مبنا جهت موقعیت یابی و کالیبراسیون به صورت همزمان

۱۹	برای ربات کابلی
۱۹	انتخاب ربات مناسب جهت توسعه الگوریتم
۲۰	توسعه گراف عامل برای یک ربات چهار کابلی با فرض کابل صلب
۲۱	معرفی ربات کابلی ARASCam
۲۲	بیان فرمول بندی مسئله و فرضیات
۲۳	رویت پذیری
۲۴	بهینه سازی پارامترها با استفاده از گراف های عاملی

فصل ۵: نتیجه گیری و پیشنهادات برای آینده

۲۷	مراجع
۲۹	پیوست آ: آشنایی سریع با برخی دستورات لاتک
۳۱	پیوست ب: جدول، نمودار و الگوریتم در لاتک
۳۳	پیوست پ: مراجع، واژه نامه و حاشیه نویسی
۳۵	

فهرست تصاویر

۶	۱.۳
۱۳	۲.۳
۱۴	۳.۳
۱۵	۴.۳
۱۶	۵.۳
۱۶	۶.۳
۲۱	۱.۴

فهرست جداول

فهرست الگوریتم‌ها

فهرست برنامه‌ها

فصل ۱

مقدمه

در این بخش، به مرور کارهای انجام شده پیشین در این موضوع پرداخته‌ایم. سپس، به بررسی ضعف‌ها و خلأهای موجود در این حوزه می‌پردازیم. پس از آن، فرضیات مطرح شده در تحقیق حاضر توضیح داده می‌شوند. در ادامه، به معرفی دقیق تحقیقات انجام شده توسط خودمان می‌پردازیم، که شامل بخش‌هایی است که به عنوان novelty در نظر گرفته شده‌اند. باید توجه داشت که موارد مطرح شده در این فصل باید مختصر و کلی باشند، و جزئیات بیشتر به فصل‌های آتی اختصاص داده شود.

فصل ۲

مروری بر مطالعات انجام شده

این بخش باید حداکثر شامل ۲۵ صفحه باشد و به پیشینه تحقیق و استناد به کارهای پیشین در این حوزه بپردازد. این بخش متشکل از سه قسمت است که به ترتیب به کالیراسیون، موقعیت یابی، و فکتور گراف می پردازند.

فصل ۳

رویکرد گراف مبنا موقعیتیابی و کالیبراسیون به صورت همزمان

۱.۳ مقدمه

همانطور که در فصل قبل ذکر شد، اگرچه حسگرهای فضای مفصل سریع و ارزان هستند، اما زمانی که از آنها برای اندازه‌گیری مقادیر مجری نهایی استفاده می‌شود، دقت مدل سینماتیکی برای تعیین دقت قابل دستیابی بسیار مهم است. علاوه بر این، در زمینه همجوشی و ترکیب اندازه‌گیری‌ها، هم‌ثبت کردن داده‌ها [۱] اولین گام اساسی است. به عبارت دیگر، حسگرها باید اندازه‌گیری‌های خود را در یک مختصات یکپارچه ارائه دهند. اهمیت هم‌ثبت به دلیل فرض اساسی نویز گاوسی با میانگین صفر در الگوریتم‌های ترکیب داده‌ها است.

نکته قابل توجه دیگر برای ربات‌های آسان نصب، لزوم بی‌نیازی الگوریتم کالیبراسیون پیشنهادی به حسگرهای گران‌قیمت و یا حسگرهایی که نیاز به تعمیر و نگهداری سطح بالایی دارند، می‌باشد. علاوه بر این، فرآیند کالیبراسیون باید به اندازه‌ای ساده باشد که اجرای آن در مکان‌های مختلف آسان و سریع باشد. با اینکه کالیبراسیون موضوعی است که بسیاری از پژوهشگران به آن علاقه‌مند هستند، اما مفهوم بهره‌گیری از چندین حسگر برای بهبود نتایج کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از طرفی دیگر، افزون بر مفهوم و ضرورت کالیبراسیون در حوزه ربات‌ها، موقعیتیابی آنها نیز مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. همانطور که پیش‌تر بیان شد، الگوریتم‌های بسیاری در راستای ترکیب حسگرها و همچنین کاهش زمان پردازش برای موقعیتیابی ربات به صورت زمان-واقعی در انواع دیگر ربات‌ها همچون



شکل ۱.۳

ربات‌های خودران مورد استفاده قرار گرفته است.

در این فصل مروری بر روش‌های مرسوم کالیبراسیون و موقعیت‌یابی ربات‌ها خواهیم داشت. سپس نگاهی به معایب این روش‌ها خواهیم داشت و برای حل آن‌ها رویکردی را ارائه خواهیم داد که معایب این روش‌ها را برطرف کند. در نهایت با استفاده از این رویکرد، یک ربات کابلی را در نظر خواهیم گرفت و با اعمال رویکرد مطرح شده، نتایج کالیبراسیون و موقعیت‌یابی را به صورت همزمان ارائه خواهیم داد.

۲.۳ روش‌های مرسوم مسئله کالیبراسیون

به صورت کلی، انتظار می‌رود چنانچه به یک ربات در دنیای واقع یک ورودی مشخص اعمال شود، با اعمال همان ورودی به مدل پاسخی یکسان دریافت شود. با این حال همواره وجود نامعینی‌ها و عدم دقیق بودن پارامترهای مدل در واقعیت ما را از رسیدن به چنین پاسخی ایده‌آل باز می‌دارد. این نامعینی‌ها می‌تواند ناشی از تقریب‌هایی باشد که در مدل داریم و یا پدیده‌هایی که در مدل‌سازی مورد توجه کامل قرار نگرفته‌اند. جنس این نامعینی‌ها می‌تواند ریشه در سینماتیک ربات و یا دینامیک آن باشد. فرآیند کالیبراسیون می‌تواند این نامعینی‌ها را در جهتی کاهش دهد که پاسخ‌هایی که از مدل و ربات در پیاده‌سازی واقعی دریافت می‌کنیم، کاهش پیدا کند. آنچه در این کار مورد بررسی قرار گرفته است کالیبراسیون سینماتیکی می‌باشد. شکل ۱.۳ نمایش بلوکی از یک فرآیند کالیبراسیون سینماتیکی بنا بر تعریف بیان شده می‌باشد. همانطور که در این شکل مشاهده می‌شود آنچه به عنوان خطا در نظر گرفته می‌شود تفاوت موقعیت فضایی ربات است که ناشی از مدل سینماتیکی ربات (در اینجا سینماتیک مستقیم) و ربات واقعی در فضای کاری ربات، با یک ورودی مشترک در فضای مفصلی آن می‌باشد.

با نگاهی به آخرین تحقیقات بر روی مسئله کالیبراسیون ربات‌ها، ایجاد یک مسئله بهینه‌سازی غیرخطی و حل آن برای یافتن مقادیر دقیق این پارامترهای سینماتیکی و دینامیکی ربات مرسوم می‌باشد [۲، ۳، ۴، ۵].

مطابق این رویکرد های مرسوم، برای ایجاد فرمول بندی مناسب مسئله مطرح شده در شکل ۱.۳ خواهیم داشت:

$$\tilde{\phi} = \arg \min_{\phi} \sum_{n=1}^N \text{error}_i[n] = \arg \min_{\phi} \sum_{n=1}^N \|F_i(\mathbf{q}[n], \phi) - X_i[n]\|_{\Sigma}^2 \quad (1.3)$$

در این معادله، بردار پارامتر های سینماتیکی و $\tilde{\phi}$ تخمین آن است. علاوه بر این، $X_i[n]$ مقدار اندازه گیری شده توسط حسگر فضای کار ربات، و $\mathbf{q}[.]$ مقادیر اندازه گیری های متقابل حسگری در مفاصل می باشد. تابع مدل ربات $F[.]$ بیانگر مدل سینماتیک مستقیم ربات می باشد. تابع هزینه هدف، بر روی مجموعی از N نمونه داده جمع آوری شده در فرآیند کالیبراسیون می باشد. افزون بر این، Σ نیز بیانگر ماتریس کوواریانس اندازه گیری می باشد که به عنوان عامل نرمال سازی برای محاسبه هزینه عمل می کند. هر چه مقدار کوواریانس بیشتر باشد، میزان تاثیر گذاری خطای متقابل آن بر روی تابع هزینه کمتر خواهد بود. همچنین برای محاسبه نرم روش های زیادی ارائه شده است که آنچه بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد نرم های هابر^۱ می باشد [۶]. معادله بهینه سازی غیر خطی بیان شده در ۱.۳ می تواند با روش های بازگشتی الگوریتم های غیر خطی حداقل مربعات^۲ همچون لونبرگ-مارکوارت^۳ و یا روش های گaus-نیوتون^۴ می باشد [۷].

با نگاهی دیگر به دیاگرام مطرح شده در ۱.۳ و همچنین معادله ۱.۳، مشاهده می شود که افزایش دقت اندازه گیری و همچنین برآورده کردن تمامی قیود مدل می تواند منجر به بهبود نتیجه کالیبراسیون شود. به منظور دستیابی به این هدف، رویکردهایی همچون ترکیب چندین حسگر و یا افزودن قیود جدید که از ساختار هندسی ربات استخراج می شود، معرفی می شوند. ترکیب این حسگرها باید به گونه ای باشد که علاوه بر کاهش خطای نهایی کالیبراسیون، خروج هر کدام از حسگرها منجر به توقف فرآیند کالیبراسیون نشود. همچنین واضح است که افزودن این قیود می تواند منجر به حل پیچیده تری از مسئله شود. در ادامه، نگاهی به فرمول بندی مسئله کالیبراسیون با در نظر گرفتن این ترکیب ها خواهیم داشت.

۱.۲.۳ ترکیب حسگرها

در معادله ۱.۳، زیر نویس i بیانگر وجود یک حسگر و خطایی که از مقادیر اندازه گیری حسگر در هر نمونه بوده می باشد. فرمول بندی ساختاری که به صورت همزمان از چندین حسگر در راستای ایجاد تابع هزینه استفاده

نماید می‌تواند به صورت زیر تعریف شود:

$$\tilde{\phi} = \arg \min_{\phi} \sum_{n=1}^N \sum_{i=1}^M W_i \text{error}_i[n] \quad (2.3)$$

در این معادله W_i ها یک پارامتر وزن برای ترکیب چندین منبع اطلاعاتی با توجه به میزان کیفیت و اهمیت آنها می‌باشد.

۲.۲.۳ ترکیب شبه اندازه‌گیری‌ها

اندازه‌گیری‌های حسگری تنها منبع اطلاعات برای حل مسئله نیستند. ساختار ربات و توجه به هندسه آن برای حل مسئله تعریف شده می‌تواند مفید واقع شود. برای مثال فاصله‌های بین برخی از نقاط می‌تواند با توجه به ساختار ربات می‌تواند ویژگی‌هایی نسبی و یا مطلق داشته باشند. این اطلاعات با عنوان داده‌های شبه اندازه‌گیری شناخته می‌شوند. این دسته از اطلاعات که از قبل مشخص هستند، می‌توانند به صورت قیود به مسئله اضافه شوند. بنابراین مسئله کلی بهینه‌سازی کالیبراسیون ۲.۳ در حضور این قیود به صورت زیر باز نویسی می‌شود.

$$\tilde{\phi} = \arg \min_{\phi} \sum_{n=1}^N \sum_{i=1}^M W_i \text{error}_i[n] \quad (3.3)$$

$$g_j(\phi) = 0 \quad \text{where} \quad j = 1, \dots, K$$

که در اینجا $g_j(\phi) = 0$ قیود هندسی معلوم بر روی پارامترهای سینماتیکی ربات می‌باشند.

۳.۳ روش‌های مرسوم مسئله موقعیت‌یابی

موقعیت‌یابی^۱ ربات فرآیند تعیین مکان ربات نسبت به محیط اطراف آن می‌باشد. دانستن موقعیت دقیق ربات در محیط، پیش‌نیازی اساسی برای اتخاذ تصمیمات صحیح و حرکت‌های بعدی مؤثر است. بدون اطلاعات موقعیتی دقیق، ربات نمی‌تواند مسیریابی^۲ و یا ردیابی^۳ مناسبی را داشته باشد و ممکن است با موانع برخورد کند

یا مسیر بهینه‌ای را طی نکند [۸]. علاوه بر این، سیستم‌های کنترلی ربات‌ها نیازمند اطلاعات دقیق و لحظه‌ای از موقعیت و جهت‌گیری ربات هستند تا بتوانند فرمان‌های مناسب را صادر کنند. بدون داده‌های دقیق موقعیتی، کنترلرها نمی‌توانند حرکات دقیقی را تولید کنند که منجر به عملکرد نامناسب و ناپایداری ربات می‌شود [۹]. فرآیند کالیبراسیون ربات که در بخش ۲.۳ مورد بررسی قرار گرفت نیز یازمند داشتن اطلاعات دقیق از موقعیت ربات است. با داشتن داده‌های موقعیتی دقیق، می‌توان خطاهای سیستماتیک را شناسایی و تصحیح کرد و به این ترتیب دقت و کارایی ربات را بهبود بخشید. این امر به ویژه در ربات‌هایی که نیاز به انجام وظایف حساس و دقیق دارند، حیاتی است.

موقعیت‌یابی دقیق ربات باعث کاهش عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌ها و عملیات ربات می‌شود. این امر نه تنها به افزایش اعتمادپذیری ربات در انجام وظایف محوله منجر می‌شود، بلکه احتمال بروز خطاها و حوادث ناشی از اشتباهات موقعیتی را نیز کاهش می‌دهد. همچنین در سیستم‌هایی که شامل چندین ربات هستند، اطلاعات دقیق موقعیتی هر ربات برای هماهنگی و همکاری بین ربات‌ها ضروری است. این اطلاعات به ربات‌ها کمک می‌کند تا از موقعیت یکدیگر آگاه باشند و بتوانند به صورت هماهنگ وظایف مشترک را انجام دهند. در این راستا توسعه و بهبود تکنیک‌های موقعیت‌یابی به منظور افزایش دقت و کارایی ربات‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [۱۰].

روش‌های ارائه شده برای موقعیت‌یابی ربات را می‌توان به سه دسته اصلی مسافت پیمایی^۱، موقعیت‌یابی جهانی^۲ و مکان‌یابی و نقشه‌یابی به صورت همزمان^۳ تقسیم کرد. این روش‌ها با توجه به نوع حسگرهای تعبیه شده بر روی ربات می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد. ترکیب داده‌ها برای همانند آنچه در بخش ۲.۳ مورد توجه قرار گرفت، در موقعیت‌یابی و تخمین حالت ربات نیز می‌تواند نقش موثری را ایفا کند. حسگرهای استفاده شده از نظر جنس داده‌ها و فرکانس داده برداری نیز می‌تواند متفاوت باشد که در ترکیب داده‌ها خصوصاً زمانی که اجرای الگوریتم به صورت زمان واقعی می‌باشد، چالش برانگیز خواهد بود. طیف وسیعی از روش‌های مرسوم ارائه شده برای ترکیب داده‌ها در راستای تخمین حالت، رویکردهای بر مبنای فیلتر هستند. این روش‌ها که به رویکردهای آماری^۴ نیز شناخته می‌شوند، در دو دهه اخیر فعالیت‌های زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. پایه این روش‌ها بر قانون بیز^۵ بنا نهاده شده است. مقاله [۱۱] دسته‌بندی جامعی از روش‌های فیلتر مبنا برای تخمین موقعیت ارائه کرده است. از میان روش‌های بیان شده، کالمن فیلتر و فیلترهای ذرات^۶ به عنوان فراگیرترین رویکرد مورد استفاده قرار گرفته شده است. این فیلترها با استفاده از فرض مارکوفی برای حالت‌ها و به کارگیری اطلاعات پیشین، تخمینی از حالت جدید ارائه می‌کنند.

۴.۳ رویکرد گراف مبنا برای حل مسئله کالیبراسیون و موقعیت‌یابی به

صورت همزمان

روش‌های مرسوم کالیبراسیون و موقعیت‌یابی ربات‌ها که تا به اینجا معرفی شده‌اند، فرمول‌بندی‌های مشخصی برای حل این دو مسئله ارائه داده‌اند. همانطور که در فصل قبل مشاهده شد، سادگی و سرعت بالای این روش‌ها باعث پیاده‌سازی گسترده آن‌ها گردیده است. با این حال، این روش‌ها دارای معایبی نیز هستند. اول اینکه برای هر مسئله کالیبراسیون و ربات، فرمول‌بندی مسئله باید از ابتدا توسعه داده شود. دوم اینکه این روش‌ها از تنگ بودن ذاتی مسئله‌ها برای سرعت بخشیدن به محاسبات استفاده نمی‌کنند. بزرگ شدن و پیچیده شدن فرمول‌بندی این مسائل باعث می‌شود که از حل آن‌ها به صورت زمان واقعی فاصله گرفته شود. همچنین، این روش‌ها برای حل مسائل غیرخطی نیاز به خطی‌سازی دارند که نه تنها به پیچیدگی‌های محاسباتی می‌افزاید، بلکه باعث کاهش دقت نیز می‌شود. سومین موضوع، روش‌های مرسوم فیلتر مبنا از داده‌های جاری و لحظه‌ای استفاده می‌کنند که باعث می‌شود علاوه بر مشکلات در مدیریت داده‌هایی که با تأخیر به سیستم می‌رسند، نتوانند داده‌های تاریخی را به صورت کامل در یک مسئله بهینه‌سازی دسته‌ای وارد کنند. این مشکل در مسائل موقعیت‌یابی باعث ایجاد مشکلات جدی همچون لغزش^۱ و کاهش دقت تا حد قابل توجهی می‌شود. چهارمین عیب این روش‌ها، عدم انعطاف‌پذیری آن‌ها برای بسط دادن مسئله با افزودن قیود به سیستم یا داده‌های حسگری به آن است. با توجه به این معایب، روش‌های مرسوم ممکن است در برخی کاربردهای پیشرفته رباتیک کارایی لازم را نداشته باشند.

در این فصل، رویکردی گراف مبنا برای حل مسئله کالیبراسیون و موقعیت‌یابی ربات بیان می‌گردد که با فرمول‌بندی یکپارچه، هر دو مسئله را به صورت همزمان در یک مسئله بهینه‌سازی حل می‌کند. ویژگی‌های ذاتی این رویکرد در حل این مسئله واحد به تمامی معایب مطرح شده در روش‌های مرسوم پاسخ می‌دهد و باعث ایجاد حلی کامل و قابل بسط می‌شود. این رویکرد گراف مبنا به دلیل استفاده از ساختارهای گرافی، قادر به مدیریت بهینه‌تر داده‌های مختلف است. با ادغام تمامی داده‌های تاریخی و جاری در یک مسئله بهینه‌سازی دسته‌ای، این روش از داده‌های ورودی به صورت کامل استفاده کرده و به مشکلات مدیریت داده‌های تأخیر دار و لحظه‌ای غلبه می‌کند. همچنین، به دلیل عدم نیاز به خطی‌سازی مکرر، دقت محاسبات افزایش یافته و پیچیدگی‌های محاسباتی کاهش می‌یابد. علاوه بر این، انعطاف‌پذیری بالای این رویکرد امکان افزودن قیود و داده‌های حسگری جدید را فراهم می‌کند، بدون آن که نیاز به بازتعریف کلی فرمول‌بندی باشد. این ویژگی‌ها، در کنار توانایی بهره‌گیری از تنگ بودن ذاتی مسئله‌ها برای بهینه‌سازی محاسبات، این رویکرد گراف مبنا را به یک ابزار قدرتمند برای کالیبراسیون و موقعیت‌یابی ربات‌ها تبدیل می‌کند.

الگوریتم گراف مبنا استفاده شده برای این فرمول‌بندی در این پایان‌نامه، الگوریتم گراف عامل^۱ می‌باشد. در ادامه، ابتدا نگاهی بر ریاضیات مرتبط با الگوریتم گراف عامل خواهیم داشت و سپس گراف عامل یکپارچه‌ای را برای حل مسئله مطرح شده معرفی خواهیم کرد. گراف عاملی که در ادامه پیشنهاد خواهد شد، حلی سیستماتیک برای کنار هم قرار دادن بلوک‌های ساختاری (عامل‌ها) در راستای تعریف یک مسئله کالیبراسیون در کنار مسئله موقعیت‌یابی به صورت یکپارچه است، که قابلیت گسترش به حسگرهای بیشتر و قیود اضافی را نیز دارا می‌باشد. علاوه بر این، از آنجایی که پیاده‌سازی‌های منابع باز و بهینه‌سازی شده برای این روش وجود دارد، مسئله کالیبراسیون و موقعیت‌یابی همزمان مطرح شده می‌تواند بر روی سیستم‌های نهفته بر روی ربات نیز پیاده‌سازی گردد. در این پایان‌نامه برای پیاده‌سازی گراف عامل پیشنهاد داده شده، از کتابخانه GTSAM استفاده شده است.

۱.۴.۳ بیان الگوریتم گراف عامل

مسئله غیرخطی تعریف شده در ۳.۳ می‌تواند به صورت یک مدل گرافی که متشکل از گره‌هایی است که بیانگر متغیرهای تصمیم‌گیری هستند و یال‌هایی که ارتباط بین قیود و این متغیرها را نشان می‌دهند، بیان شود. در جامعه رباتیک، گراف عامل نمونه‌ای از این بیان است. این گراف‌ها یک چارچوب قوی و قابل انطباق برای بیان مسائل متنوع از تخمین حالت^۲ تا برنامه‌ریزی حرکت^۳، ارائه می‌دهند. این الگوریتم برای حل مسائل بهینه‌سازی که شامل متغیرهای مختلف و قیود پیچیده است، مناسب می‌باشد. یکی از روش‌های بیان این مدل، استفاده از نمودارهای دو بخشی $F = (\mathcal{U}, \mathcal{V}, \mathcal{E})$ است که عامل‌ها \mathcal{U} با استفاده از یال‌ها \mathcal{E} روابط و قیودی را بین گره‌ها \mathcal{V} ایجاد می‌کنند. بدین ترتیب بخش اول، یعنی گره‌ها، نمایانگر متغیرهای ناشناخته یا پارامترهای مدل هستند که آنها را با ϕ_i نشان می‌دهیم. به عنوان مثال، در مسئله کالیبراسیون و موقعیت‌یابی، گره‌ها می‌توانند نمایانگر موقعیت‌های مختلف ربات یا پارامترهای کالیبراسیون باشند. همچنین بخش دوم، یعنی عامل‌ها، نشان‌دهنده قیود یا روابط بین متغیرها می‌باشد که آنها را با ψ_i نشان می‌دهیم. این قیود می‌توانند شامل معادلات غیرخطی یا روابط پیچیده‌ای باشند که باید در فرآیند بهینه‌سازی در نظر گرفته شوند. بدین ترتیب یک گراف عامل F بیان‌کننده نحوه ایجاد یک تابع انرژی کلی ψ از تک تک اجزای سیستم می‌باشد:

$$\psi(\phi) = \prod_i \psi_i(\phi_i) \quad (4.3)$$

کمینه‌سازی لگاریتم تابع $\psi(\phi)$ منجر به ایجاد یک مسئله غیرخطی معادل می‌شود که مسئله بهینه‌سازی مورد نظر را مشخص می‌کند.

۲.۴.۳ گراف عامل پیشنهادی برای کالیبراسیون و موقعیت یابی به صورت همزمان

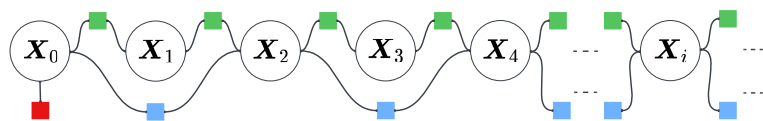
همانطور که بیان شد، استفاده از گراف های عامل در موقعیت یابی ربات ها مزایای متعددی دارد. یکی از مزایای اصلی این است که گراف عامل می تواند به طور مؤثری اطلاعات نامطمئن را مدیریت کرده و تخمین های دقیق تری ارائه دهد. همچنین، این روش به دلیل ساختار گرافی خود، قابلیت انعطاف پذیری و مقیاس پذیری بالایی دارد، به طوری که می توان به راحتی اندازه گیری های جدید را به گراف اضافه کرده و تخمین ها را به روزرسانی کرد. در مسئله ی موقعیت یابی ربات ها، هدف اصلی تخمین دقیق موقعیت و جهت ربات در محیط است. برای این منظور، از اطلاعات مختلفی مانند داده های حسگرها، اندازه گیری های فاصله و داده های اینرسی استفاده می شود. گراف عامل این اطلاعات را به شکلی یکپارچه و هماهنگ ترکیب می کند.

برای مدل سازی مسئله موقعیت یابی با گراف عامل، ابتدا باید متغیرهای حالت ربات و محدودیت های مرتبط با آنها تعریف شوند. متغیرهای حالت می توانند شامل موقعیت و جهت پنجه ربات در نقاط مختلف زمانی نسبت به یک چارچوب پایه مشخص باشند. برای تعریف این متغیرهای حالت در زمان i با کمک ماتریس انتقال پنجه ربات در فضای $SE(3)$ به صورت زیر خواهد بود:

$$X_i = \begin{bmatrix} \mathbf{R}_i & \mathbf{t}_i \\ \mathbf{0} & 1 \end{bmatrix} \quad (5.3)$$

که $X_i^{4 \times 4}$ بیانگر ماتریس انتقال شامل ماتریس چرخش $\mathbf{R}_i^{3 \times 3}$ و بردار انتقال $\mathbf{t}_i^{3 \times 1}$ نسبت به چارچوب پایه می باشد. علاوه بر تعیین چارچوب پایه در حل مسئله موقعیت یابی، محدودیت ها نیز می توانند شامل اندازه گیری های حسگرهای متفاوت باشد. ما در این فرمول بندی حسگر اندازه گیری های اینرسی^۱ و یک حسگر فاصله پیمایی چشمی^۲ را به عنوان داده های اندازه گیری سیستم با فرکانس های متفاوت در نظر می گیریم.

شکل ۲.۳ نشان دهنده گراف عاملی است که برای حل مسئله موقعیت یابی با فرضیات در نظر گرفته شده می توان ارائه کرد. دایره ها نشان دهنده متغیرهای مسئله هستند که در اینجا موقعیت ربات می باشند و آن ها را با ماتریس X_i در زمان i نمایش می دهد. مربع های رنگی نشان دهنده محدودیت ها و داده های حسگری هستند که با گذر زمان به سیستم وارد می شوند و زنجیره موقعیت ربات را نیز امتداد می دهند. چارچوب پایه تعیین شده که می تواند نقطه شروع یا نقطه استراحت ربات باشد، توسط یک عامل واحد^۳ (در اینجا مربع قرمز رنگ)، موقعیت یابی ربات را مقید می کند. همچنین داده های حسگری با توجه به فرکانس داده برداری آن ها می توانند به صورت عامل های دودویی که بین دو یا چند متغیر قیدی را ایجاد می کنند، وارد مسئله شوند. در این گراف،



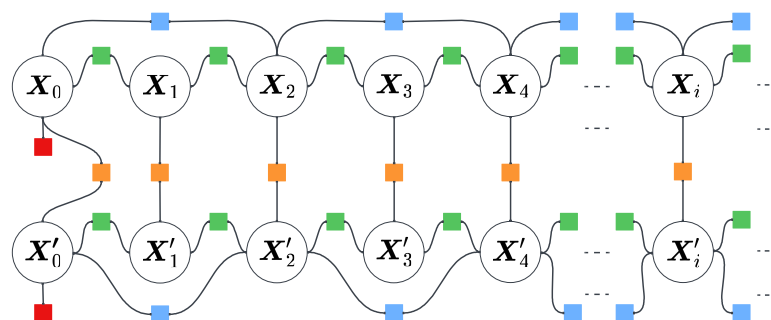
شکل ۲.۳

عامل‌های مشخص شده با رنگ سبز نشان‌دهنده اندازه‌گیری‌های حسگر اینرسی و همچنین اطلاعات حسگر فاصله‌پیمایی چشمی با عامل‌هایی به رنگ آبی وارد مسئله می‌شوند. با توجه به نرخ اضافه شدن این اطلاعات به سیستم، می‌توان دریافت که فرکانس داده‌برداری از حسگر اینرسی دو برابر حسگر فاصله‌پیمایی است.

در این گراف، آنچه باعث حل یکپارچه و استفاده بهینه از تمامی اطلاعات مسئله می‌شود، زنجیره‌ای است که میان متغیرهای مسئله ایجاد شده است. با دریافت هر داده جدید از حسگر، یک متغیر موقعیت جدید برای ربات ایجاد می‌شود که حل مسئله بهینه‌سازی برای پیدا کردن این متغیر منجر به به‌روز رسانی تمامی گره‌ها به صورت یکجا می‌شود و این باعث ایجاد یک راه‌حل ارزشمند برای یک مسئله تنگ می‌گردد. در این بخش، هدف تعریف پایه‌ای یک مسئله موقعیت‌یابی برای ربات است. گراف‌های متنوع و فرمول‌بندی‌شده برای اهداف خاص‌تر در [۱۲]، [۱۳] و [۱۴] قابل مطالعه هستند.

افزودن حسگرهای جدید با ایجاد گره‌های عامل با مدل نویزهای مناسب در فواصل زمانی منظم، می‌تواند نتیجه موقعیت‌یابی را بهبود بخشد. این ترکیب حسگرها می‌تواند در فواصل زمانی‌ای که حسگرها به دلیل شرایط محیطی از سیستم خارج می‌شوند، از توقف موقعیت‌یابی جلوگیری کند. به عنوان مثال، الگوریتم‌هایی که از داده‌های دوربین استفاده می‌کنند، زمانی که ویژگی‌های محیط برای پردازش تصاویر نامناسب است یا ربات وارد محدوده‌ای تاریک می‌شود، قادر به ارائه نتایج مناسبی نیستند. به عنوان نمونه‌ای دیگر، زمانی که سیستم موقعیت‌یابی جهانی^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد، مکان‌هایی همچون تونل‌ها می‌توانند این سیستم جمع‌آوری داده را با مشکل مواجه کنند. بدین ترتیب، با خروج برخی از حسگرها موقعیت‌یابی با استفاده از داده‌های دیگر انجام می‌شود و با ورود مجدد حسگرها، نتایج رو به بهبود خواهند رفت. استفاده از این رویکرد محدود به نوع ربات و یا حسگرهای آن نبوده است. از ربات‌های خودران [۱۵] تا ربات‌های پرنده [۱۶] و یا ربات‌های جراح مورد استفاده در اتاق‌های عمل می‌توانند از این روش استفاده کنند.

استفاده از گراف در مسئله مکان‌یابی برای ربات‌های چندعاملی می‌تواند کلیدی برای بهبود نتایج و فرمول‌بندی ساده‌تر باشد. سامانه آموزش جراحی چشم ARASH:ASiST در تیم آزمایشگاهی ارس توسعه یافته است [۱۷]. این سامانه از دو دستگاه ربات مجزا برای تسهیل فرآیند آموزش جراحی تشکیل شده است. در این سامانه، ربات دوم باید حرکات ربات اول را دنبال کند تا آموزش جراحی با استفاده از این سامانه انجام پذیرد. پیدا کردن چارچوب این ربات‌ها در یک دستگاه مختصات می‌تواند یکی از ابزارهایی باشد که در پیاده‌سازی الگوریتم‌های متنوع کنترلی



شکل ۳.۳

در فرآیند یادگیری مهارت مورد استفاده قرار گیرد. یکی از روش های پیشنهادی برای این هدف می تواند استفاده از گراف شکل ۳.۳ باشد. در این گراف، مکان یابی برای هر کدام از این ربات ها با به روز رسانی X_i و X'_i برای هر یک از ربات ها به صورت مجزا، انجام می شود. هم چارچوب سازی این دو ربات می تواند توسط قیود عاملی که در اینجا با رنگ نارنجی نشان داده شده است، انجام شود. دیگر عامل ها با رنگ های مشخص شده همانند تعاریف بیان شده در شکل ۲.۳ می باشند.

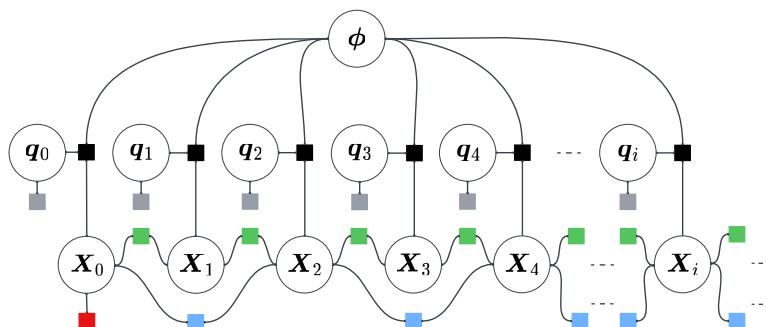
آنچه تا بدین جای حل مسئله مشاهده شده است، توانایی بالای الگوریتم گراف عامل در ایجاد مسئله ای انعطاف پذیر بوده است. مقیدسازی این مسئله می تواند از قیود فضای کار ربات فراتر رفته و مسئله را در فضای مفصلی و ساختار سینماتیک ربات نیز مقید کند. وجود پارامترهای سینماتیکی در فرمول بندی می تواند با در نظر گرفتن آنها به عنوان متغیرهایی که همواره در ربات ثابت هستند یا متغیرهایی که با گذر زمان تغییر می کنند، به عنوان پارامترهای کالیبراسیون، مقادیر بهینه آنها را به دست آورد. به عبارتی، در حالی که مسئله موقعیت یابی در حال انجام است، مسئله کالیبراسیون نیز حل شود. همچنین اضافه شدن این قیود سینماتیکی می تواند موقعیت یابی ربات را بهبود بخشد.

مطابق فرمول بندی های مرسوم ارائه شده، معادلات سینماتیک نگاشت های غیرخطی بین فضای مفصل و فضای کار ربات ایجاد می شوند. بدین ترتیب:

$$X = FK(q, \phi), \quad q = IK(X, \phi) \quad (۶.۳)$$

که X موقعیت ربات در فضای کار و q بردار مقدار زاویه ای/طولی مفصل های ربات هستند. در این معادله ϕ بردار پارامترهای سینماتیکی ربات است که به هندسه ساختاری ربات مربوط می شود.

در ادامه، با فرض آنکه ربات مسیری تصادفی را در فضای کاری خود طی می کند و همچنین داده های سنسوری در هر دو فضای معرفی شده در حال جمع آوری هستند، قصد داریم گراف ۲.۳ را به گونه ای بسط



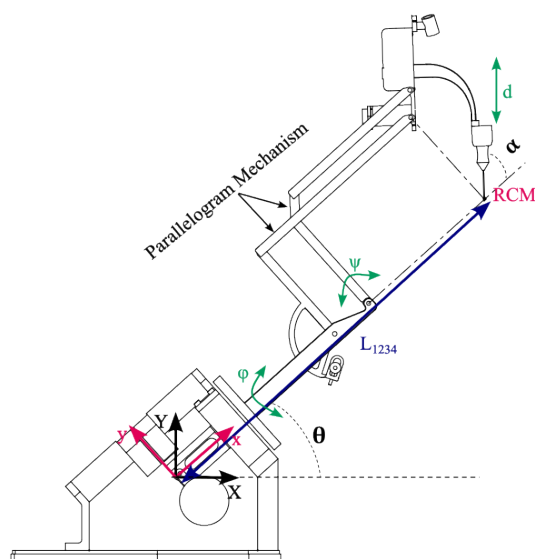
شکل ۴.۳

دهیم که کالیبراسیون سینماتیکی ربات در کنار موقعیت‌یابی در یک گراف یکپارچه حل شود. برای این کار از قیود سینماتیکی ۶.۳ استفاده کرده و آنها را به صورت عامل به مسئله می‌افزاییم. ابتدا فرض کالیبراسیون را بر ثابت بودن پارامترهای سینماتیکی و عدم تغییر آنها در طول زمان می‌گذاریم. شکل ۴.۳ بیانگر یک گراف برای حل این مسئله با این فرض بیان شده می‌باشد. در این گراف، قسمت موقعیت‌یابی همانند آنچه پیشتر بیان شد می‌باشد. همچنین عامل‌های مشخص شده با مربع‌های سیاه رنگ بیانگر روابط سینماتیکی ربات هستند که تابعی از مقادیر متغیرهای مفصل، موقعیت ربات در فضای کار و بردار پارامترهای سینماتیکی ربات ϕ می‌باشند. همچنین عامل‌های خاکستری رنگ بیانگر مقادیر اندازه‌گیری شده در فضای مفصل ربات از حسگرهای آن می‌باشند.

فرمول‌بندی سینماتیک بیان شده در ۶.۳ می‌تواند طیف وسیعی از ربات‌ها را در بر داشته باشد. به عنوان نمونه، برای روشن‌سازی بهتر مسئله، نمونه موردی ربات ARASH:ASiST را باری دیگر در نظر می‌گیریم. شکل ۵.۳ شمایی از هندسه با ساختاری متوازی‌الاضلاع از این ربات را نشان می‌دهد. پارامترهای سینماتیک این ربات با بردار $\phi = \{\alpha, \theta, l_{1234}\}$ مطابق اندازه‌های بیان شده بر روی این شکل تعریف می‌شود. همچنین با توجه به مقادیری که بردار مفاصل ربات $q = \{\phi, \psi, d\}$ دارند، مکان پنجه ربات X در نقطه دوران از راه دور مشخص شده است. با استفاده از این بیان، ساختار سینماتیکی این ربات می‌تواند به فرمول‌بندی سینماتیک مستقیم زیر مطابق آنچه در [۱۷] استخراج شده است، منجر شود:

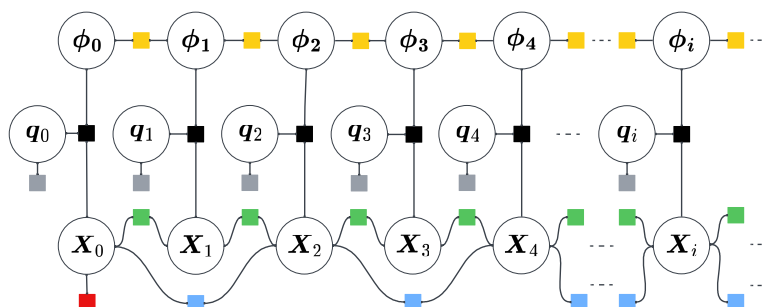
$$\begin{pmatrix} x \\ y \\ z \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} c_{\theta}(l_{1234} + dc_{\alpha+\psi}) - ds_{\theta}c_{\phi}s_{\alpha+\psi} \\ s_{\theta}(l_{1234} + dc_{\alpha+\psi}) + dc_{\theta}c_{\phi}s_{\alpha+\psi} \\ ds_{\phi}s_{\alpha+\psi} \end{pmatrix} \quad (۷.۳)$$

که s و c به ترتیب بیانگر توابع $\sin(\cdot)$ و $\cos(\cdot)$ هستند. تفسیر مکان‌یابی و کالیبراسیون سینماتیکی بیان شده در گراف ۴.۳، استفاده از معادله ۷.۳ در عامل‌های بیان شده به عنوان قیود سینماتیکی ربات (عامل‌های سیاه) است.



شکل ۵.۳

شکل ۶.۳ نشان دهنده گراف قابل استفاده دیگری می باشد که عاری از فرض ثابت بودن پارامترهای کالیبراسیون سینماتیکی بوده و این پارامترها با گذر زمان تغییر می کند و در مسائل زمان واقعی چالش برانگیز هستند. عامل های زرد ایجاد شده در بین پارامترهای کالیبراسیون در زمان های متوالی قیودی هستند که از نوسانات و تغییرات ناگهانی و زیاد این پارامترهای جلوگیری کنند. وجود این قید از آنجایی است که در دنیای واقع انتظار بر تغییر آهسته و منطقی این پارامترهای هندسی می باشد. با این بیان صورت گرفته، افزودن قیود متفاوت به مسئله بدون نیاز به تغییر فرمول بندی دیگر بخش ها قابل انجام خواهد بود. در نهایت، این گراف های عامل می توانند با استفاده از حل کننده های افزایشی که کتابخانه GTSAM در اختیار ما قرار می دهد، به صورت زمان واقعی حل شوند.



شکل ۶.۳

۵.۳ نتیجه‌گیری

در این فصل، رویکرد گراف مبنا برای حل همزمان مسئله کالیبراسیون و موقعیت‌یابی ربات‌ها مورد بررسی قرار گرفت. این روش با استفاده از گراف‌های عامل، امکان مدیریت بهینه داده‌ها و افزایش دقت محاسبات را فراهم می‌آورد و به راحتی قابل گسترش با قیود و حسگرهای جدید است.

ابتدا مروری بر روش‌های مرسوم موقعیت‌یابی و کالیبراسیون انجام شد. این روش‌ها، اگرچه ساده و سریع هستند، اما نیاز به بازتعریف مکرر فرمول‌بندی‌ها و خطی‌سازی‌های پیچیده دارند که باعث کاهش دقت و افزایش پیچیدگی محاسبات می‌شود. سپس، رویکردی جدید، بر مبنای گراف‌ها، برای حل این مسئله با توانایی رفع معایب روش‌های مرسوم، مطرح شد.

در معرفی این رویکرد گراف مبنا، مفاهیم پایه‌ای گراف‌های عامل و کاربرد آنها در مدل‌سازی روابط پیچیده بین متغیرها و قیود بیان شد. سپس، با استفاده از معادلات سینماتیکی ربات و داده‌های حسگری، گراف‌های عامل یکپارچه‌ای برای حل مسئله طراحی گردید. این گراف‌ها با توانایی فرمول‌بندی همزمان کالیبراسیون و موقعیت‌یابی نتایج مطلوبی در بهبود دقت و کارایی ربات را به دست می‌آورند.

فصل ۴

پیاده سازی رویکرد گراف مبنا جهت موقعیت یابی و کالیبراسیون به صورت همزمان برای ربات کابلی

در فصل قبل رویکردی بر مبنای ساختار گراف برای انجام مسئله کالیبراسیون و موقعیت یابی ربات به صورت زمان واقعی ارائه شد. ویژگی هایی برای این رویکرد ارائه شد که حل این مسئله پیچیده و پرکاربرد رباتیکی را تسهیل کرده و باعث بهبود نتایج بهینه سازی شده است. در این فصل پیاده سازی کاملی از گراف های معرفی شده بر روی یک ربات خواهیم داشت. سعی بر آن بوده که ربات انتخاب شده برای این پیاده سازی از نظر سینماتیک و دینامیک دارای معادلاتی نسبتاً پیچیده باشد تا قدرت و سرعت این الگوریتم را مورد بررسی کافی قرار دهیم.

۱.۴ انتخاب ربات مناسب جهت توسعه الگوریتم

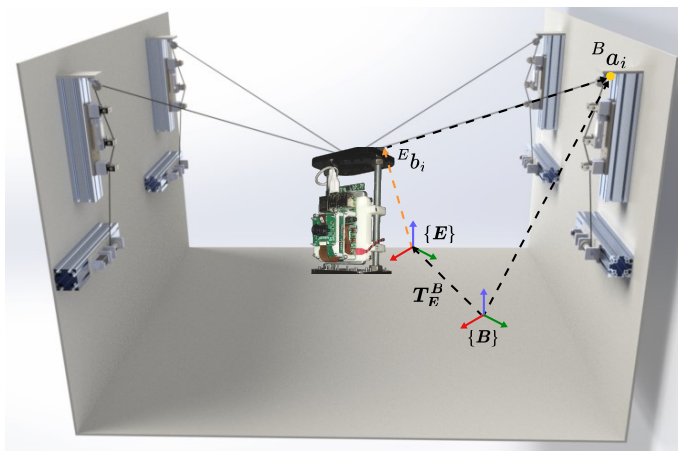
ربات نمونه انتخاب شده برای ارائه این فرمول بندی، یک ربات چهار کابلی فروتحریک آسان نصب می باشد. علت انتخاب این نوع ربات آسان نصب به عنوان موضوع مورد بررسی، قابلیت استفاده زیاد آنها در کارکردهای متنوع رباتیکی می باشد، به شرطی که هر بار پس از نصب در هر محیط دلخواه فرآیند کالیبراسیون بدون زمان بر و با کمترین زحمت انجام شود. فرمول بندی انجام شده برای این ربات به نحوی است که منجر به یک کالیبراسیون خودکار در کنار موقعیت یابی تنها با همان حسگرهایی که ربات برای موقعیت یابی تعبیه شده است، بدون زحمت اضافی برای کاربر انجام می شود. نتیجه این رویکرد علاوه بر افزایش دقت نهایی این فرآیندها، مفهومی حقیقی تر به آسان نصب بودن به این دسته از ربات های کابلی می بخشد.

آنچه تا کنون بیشتر مورد بررسی قرار گرفته حل مسئله کالیبراسیون برای ربات هایی است که کابل آنها به عنوان جسمی صلب در نظر گرفته می شود. این فرض اساسی حل مسئله را آسان تر می کند. در ادامه ی این فصل ما با استفاده از رویکرد بیان شده، کالیبراسیون و موقعیت یابی را برای یک ربات کابلی با فرض یاد شده انجام می دهیم و نتایج را مورد بررسی قرار می دهیم. علی رغم اینکه این فرض حل مسئله را تا نگاهی ساده تر می کند، زمانی که نسبت جرم پنجه ربات به جرم کابل ها زیاد شود، این فرض قابل قبول نخواهد بود. نشان خواهیم داد که با افزایش این میزان شکم دهی که معمولاً در ربات هایی با ابعاد بزرگتر دیده می شود، کالیبراسیون و موقعیت یابی با مشکل مواجه خواهد شد.

تاکنون تحقیقات زیادی بر روی مدل سازی کابل های شکم دار انجام شده است که نتایج ارائه شده برای این مدل سازی ها از دقت بالایی برخوردار بوده اند. ما نیز برای حل مشکل کالیبراسیون و موقعیت یابی خود نیاز به وارد کردن این قیدها به مسئله هستیم. پیچیدگی های زیاد این مدل ها باعث شده است که کارهای اخیر در این حوزه نسبت به حل مسئله با این معادلات، از شبکه های عمیق برای این مدل سازی ها استفاده کنند که خود دارای مشکلاتی بوده و از دقت و اطمینان کافی بهره مند نیستند. روشی که ما برای حل این مشکل ارائه خواهیم کرد، مقیدسازی همان مسئله حل شده برای کابل های صلب بوده است. در انتها باری دیگر با حل این مسئله خواهیم دید که تمام آنچه که به عنوان مزیت های این رویکرد بیان کرده ایم در حل مسئله نمود پیدا می کنند و با سرعت و قدرت بالایی مسئله کالیبراسیون و موقعیت یابی به صورت همزمان برای این نوع ربات ها، بدون فرض صلب بودن کابل ها، که حل آنها در روش های مرسوم کاری بس دشوار بوده است، را حل می کنند.

۲.۴ توسعه گراف عامل برای یک ربات چهار کابلی با فرض کابل صلب

در این بخش، انجام فرآیند کالیبراسیون و موقعیت یابی به صورت همزمان برای یک ربات کابلی با در نظر گرفتن فرض صلب بودن کابل ها با رویکرد گراف-مبنا انجام می شود. برای این فرآیند، ابتدا ربات چهار کابلی ARASCam معرفی می گردد. سپس فرضیاتی بر روی ساختار ربات ایجاد شده و با در نظر گرفتن این فرضیات، فرمول بندی جامعی برای ربات ارائه می شود. در نهایت، از این فرمول بندی برای پیاده سازی گراف عامل معرفی شده استفاده می شود و نتایج مورد بررسی قرار می گیرد.



شکل ۱.۴

۱.۲.۴ معرفی ربات کابلی ARASCam

ربات ARASCam که در گروه تحقیقاتی رباتیک ARAS توسعه یافته است، یک ربات معلق فروتحریک موازی با کابل های محرک و با شش درجه آزادی می باشد. شکل ۱.۴ نسخه اولیه این ربات که برای یک فضای کاری نسبتاً کوچک آزمایشگاهی طراحی شده است را نشان می دهد. همانطور که در تصویر مشاهده می شود، پنجه ربات که مجهز به یک دوربین تعبیه شده بر روی پردازنده Raspberry PI می باشد، توسط چهار کابل در فضا معلق شده است. B بیانگر دستگاه مختصات پایه و همچنین E نشانه دهنده دستگاه مختصات پنجه ربات می باشد. i امین کابل در نقطه $B b_i$ در مختصات پنجه به ربات و در نقطه $E a_i$ در مختصات پایه به پولی متناظر آن متصل می شود. ماتریس انتقال از دستگاه مختصات پایه به پنجه با T_E^B نشان داده شده است.

در این ربات، کابل ها با استفاده از یک سیستم مکانیکی درام جمع و باز می شوند. هر یک از کابل ها پس از خروج از درام، توسط مکانیزم مکانیکی از روی سنسور نیرو عبور کرده و سپس به پولی منتقل می شود. در نهایت، از نقطه مشخصی در پولی به ربات متصل می شود. همچنین از آنجایی که در این ربات نسبت جرم پنجه به جرم کابل های ربات مقدار زیادی است، می توان از شکم دهی کابل های آن صرف نظر کرد و کابل های آن را به عنوان اجسام صلب مدل کرد.

۲.۲.۴ بیان فرمول بندی مسئله و فرضیات

برای فرمول بندی مسئله از هندسه بیان شده در شکل ۱.۴ استفاده می کنیم. برای یک ربات با کابل های صلب، مدل اندازه گیری طول کابل \hat{z}_i با استفاده از حسگر انکودر روی ربات برای نمونه k ، به صورت زیر می

تواند فرمول بندی شود:

$$l_i^*[k] \triangleq \| \mathbf{R}_E^B \mathbf{b}_i + \mathbf{t}_E^B - \mathbf{a}_i \|^2 \quad (۱.۴)$$

$$\hat{z}_i[k] = l_i^*[k] + l_i^o + w_{\text{enc}}[k]$$

که در آن $(\mathbf{R}_E^B, \mathbf{t}_E^B)$ نشان دهنده ماتریس جهت گیری و بردار انتقال پنجه در دستگاه مختصات پایه، l_i^o نشان دهنده مقدار جابجایی اولیه انکودر، و $w_{\text{enc}}[k]$ نشان دهنده نویز اندازه گیری طول است. اگر انعطاف پذیری کابل نیز در نظر گرفته شود، نیروی T_i در کابل، طول اندازه گیری شده کابل را به صورت زیر تغییر می دهد:

$$\hat{z}_i[k] = \left(1 - \frac{T_i[k] + w_T[k]}{EA} \right) l_i^*[k] + l_i^o + w_{\text{enc}}[k] \quad (۲.۴)$$

که در آن E مدول یانگ کابل، A سطح مقطع کابل، و $w_T[k]$ نویز اندازه گیری نیرو است. چنانچه نیروی کابل صفر باشد، $T_i[k] = 0$ ، در معادله ۲.۴ طول اندازه گیری شده توسط انکودر با فاصله واقعی بین b_i و a_i مطابقت دارد. با این حال، در پیکربندی ای که موتور در محل قفل شده و انکودر مقدار ثابتی را می خواند، جابجایی طول به دلیل کشیدگی توسط انکودر دیده نمی شود اما نسخه مقیاس شده وابسته به نیرو و از فاصله واقعی $l_i^*[k]$ اندازه گیری می شود. با افزایش E (کابل های سفت)، اهمیت این مقیاس بندی وابسته به نیرو به صفر کاهش می یابد و معادله ۲.۴ به معادله ۱.۴ ساده می شود. در مورد ربات با کابل های انعطاف پذیر، فرض می کنیم که حسگرهای نیروی کابل در نزدیکی عملگرها قرار گرفته اند. با این حال، برای بسیاری از کاربردها که به ربات های کابلی با اندازه متوسط نیاز دارند، انعطاف پذیری کابل ممکن است با انتخاب مناسب کابل ها قابل صرف نظر باشد.

علاوه بر فرمول بندی سینماتیک، مطابق شکل ۱.۴ ربات با یک دوربین روی انتهای ربات، متصل به پنجه، تجهیز شده است. در اینجا ما تصاویر دریافتی از این دوربین را با استفاده از الگوریتم SVO [۱۸] برای تولید اندازه گیری های موقعیت ربات در فضای $SE(3)$ به سیستم وارد می کنیم که بدین ترتیب برای موقعیت یابی ربات زنجیره ای از تغییرات مسافت پیمایی با فرمول بندی زیر به هم وصل می شوند:

$$\Delta \mathbf{T}_{k-1}^k = \begin{bmatrix} \mathbf{R}_{k-1}^k & \mathbf{t}_{k-1}^k \\ \mathbf{o} & s^{-1} \end{bmatrix} \quad (۳.۴)$$

در طول مرحله کالیبراسیون و موقعیت یابی با استفاده از این الگوریتم، فرض می کنیم محیط دارای نور خوب با بافت های غنی از ویژگی بوده و دوربین به آرامی حرکت می کند. مسئله کالیبراسیون و مکان یابی به تخمین مشترک

موقعیت های ربات $T_E^B[k]$ ، موقعیت های نقاط اتصال کابل ها به پولی های متناظر a_i ، طول های اولیه کابل ها l_i° و مقیاس الگوریتم مسافت پیمایی s با استفاده از اندازه گیری های الگوریتم مسافت پیمایی ΔT_{k-1}^k ، انکودرهای طول کابل $z_i[k]$ و برای ربات ها با کابل های انعطاف پذیر، اندازه گیری های نیرو T_i کاهش می یابد. این تصویر از تخمین مشترک به حل یک مسئله بهینه سازی منجر می شود که مدل سینماتیکی را به اندازه گیری های انجام شده نزدیک تر کند. به عبارتی دیگر، فرمول بندی که در ۳.۳ ایجاد شد، در اینجا به فرمول بندی زیر بازنویسی می شود:

$$\min_{a_i, l_i^\circ, T_E^B[k], s} \sum_k \|h(a_i, l_i^\circ, T_E^B[k], s) - z_i[k]\|_2^2 \quad (4.4)$$

که مدل اندازه گیری، $h(\cdot)$ ، به صورت زیر تعریف می شود:

$$h(a_i, l_i^\circ, T_E^B[k], s) = s \left(1 - \frac{T_i[k] + w_T[k]}{EA} \right) l_i^*[k] + l_i^\circ + w_{enc}[k] \quad (5.4)$$

با این فرمول بندی، مقادیر بهینه نقاط پولی های ربات a_i^* و موقعیت های پنجه ربات t_E^{B*} با پارامتر بزرگنمایی s به دست می آید.

۳.۲.۴ ریت پذیری

برای تحلیل مشاهده پذیری، از روش ارائه شده در [۱۹] الهام گرفته ایم که از سیستم های مکان یابی UWB^۱ برای مقادیر اولیه الگوریتم بهینه سازی خود استفاده کرده است. با توجه به مدل اندازه گیری در معادله ۲.۴، می توان مسئله حداقل مربعات را به صورت خطی زیر بازنویسی کرد:

$$\begin{bmatrix} -\mathfrak{z}t_x[\mathfrak{z}]\alpha[\mathfrak{z}] & \cdots & -\mathfrak{z}t_x[k]\alpha[k] \\ -\mathfrak{z}t_y[\mathfrak{z}]\alpha[\mathfrak{z}] & \cdots & -\mathfrak{z}t_y[k]\alpha[k] \\ -\mathfrak{z}t_z[\mathfrak{z}]\alpha[\mathfrak{z}] & \cdots & -\mathfrak{z}t_z[k]\alpha[k] \\ d_t^{\mathfrak{z}}[\mathfrak{z}]\alpha[\mathfrak{z}] & \cdots & d_t^{\mathfrak{z}}[k]\alpha[k] \\ \mathfrak{z}z_i[\mathfrak{z}] & \cdots & \mathfrak{z}z_i[k] \\ \alpha[\mathfrak{z}] & \cdots & \alpha[k] \end{bmatrix}^T \begin{bmatrix} s^{\mathfrak{z}}a_x \\ s^{\mathfrak{z}}a_y \\ s^{\mathfrak{z}}a_z \\ s^{\mathfrak{z}} \\ l_{\circ_i} \\ s^{\mathfrak{z}}(d_a^{\mathfrak{z}} - l_{\circ_i}^{\mathfrak{z}}) \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} z_i[\mathfrak{z}]^{\mathfrak{z}} \\ z_i[\mathfrak{z}]^{\mathfrak{z}} \\ \vdots \\ z_i[k]^{\mathfrak{z}} \end{bmatrix} \quad (۶.۴)$$

که در آن d_a ، $d_t[k]$ و $\alpha[k]$ به صورت زیر تعریف می شوند:

$$\alpha[k] \triangleq \left(1 - \frac{\tau_i[k]}{EA} \right) \quad (۷.۴)$$

$$d_t^{\mathfrak{z}}[k] \triangleq t_x^{\mathfrak{z}}[k] + t_y^{\mathfrak{z}}[k] + t_z^{\mathfrak{z}}[k], \quad d_a^{\mathfrak{z}} \triangleq t_x^{\mathfrak{z}} + a_y^{\mathfrak{z}} + a_z^{\mathfrak{z}}$$

همان طور که در [۱۹] اشاره شده است، سیستم خطی در معادله ۶.۴ معمولاً در عمل خوش تعریف^۱ و منجر به پاسخ های ضعیف خواهد شد. ما به جای این روش معرفی شده برای نقطه شروع، از چارچوب احتمالی استفاده می کنیم تا راه حل های با کیفیت بالاتری به دست آوریم. با این حال، وجود یک پاسخ برای این سیستم خطی، مشاهده پذیری پارامترهای سینماتیکی را با توجه به مجموعه اندازه گیری های تعریف شده در بخش قبلی اثبات می کند.

۳.۴ بهینه سازی پارامترها با استفاده از گراف های عاملی

الگوریتم ابتدایی سازی مونت کارلو از مرحله قبل با یک توزیع پارامتری غیر گوسی از مسئله بهینه سازی شروع می شود و با فرض تحریک کافی حرکتی، به یک توزیع گوسی بیضوی همگرا می شود. در این مرحله، این مقدار پیشین گوسی را می گیریم و آن را بهینه می کنیم تا دقت تخمین را با در نظر گرفتن تاثیر مشترک مودالیت ها و همچنین انعطاف پذیری کابل بهبود دهیم.

ما یک گراف عاملی با گره های مقادیر $a_i, b_i(k) \in \mathbb{R}^3$ و $X(k) \in SE(3), l_{oi}, \tau_i(k), S \in \mathbb{R}$ ، تعریف می کنیم که به ترتیب نمایانگر موقعیت دوربین، انحراف طول کابل، تنش های کابل، موقعیت نقاط لنگر و نقاط اتصال کابل ها بر روی انتهای عملگر هستند.

همانطور که در شکل ۲ نشان داده شده است، گره های $X_i(k)$ با عوامل اودومتری مقیاس بندی شده (نشان داده شده با رنگ سیاه) که نشان دهنده موقعیت های نسبی VO و مقیاس دهی مسیر براساس مقدار گره مقیاس S است، به هم متصل می شوند. از سوی دیگر، هر موقعیت دوربین $X_i(k)$ به M نقطه اتصال کابل های انتهای عملگر $b_i(k)$ از طریق عوامل موقعیت نسبی (نشان داده شده با رنگ سفید) که با تبدیل های تعریف شده در مدل CAD انتهای عملگر اولیه سازی شده اند، متصل می شود (که بخشی از پارامترهای کالیبراسیون در این کار نیستند). هر یک از گره های $b_i(k)$ به نقاط لنگر a_i از طریق عوامل سینماتیکی (نشان داده شده با رنگ قرمز) که طبق بخش III-B و با استفاده از مدل اندازه گیری (۶) تعریف شده اند، متصل می شوند.

از سوی دیگر، این عوامل سینماتیکی نیز به گره های نیروی کابل $\tau_i(k)$ و انحراف طول کابل l_{oi} متصل هستند. هر یک از این گره های تنش کابل توسط عوامل پیشین (نشان داده شده با رنگ قهوه ای) که با اندازه گیری های نیروی اولیه سازی شده اند، محدود شده اند. توجه داشته باشید که برای ربات های با کابل های با کیفیت بالا، نیاز به اندازه گیری نیروی کابل ممکن است حذف شود و گره های $\tau_i(k)$ ممکن است از گراف عاملی حذف شوند. در این حالت، عوامل سینماتیکی باید براساس معادله (۵) تعریف شوند.

در نهایت، با استفاده از میانگین و ماتریس های کوواریانس محاسبه شده از بخش قبلی، عوامل پیشین (نشان داده شده با رنگ آبی) را روی گره های پارامتر سینماتیکی اضافه می کنیم و گراف را با استفاده از یک حل کننده Levenberg-Marquardt تخصصی برای گراف های عاملی بهینه می کنیم. مقادیر گره های سینماتیکی بهینه شده و عدم قطعیت های به حاشیه رفته مربوطه خروجی نهایی چارچوب ما هستند.

فرمول بندی مبتنی بر گراف معرفی شده در این بخش مزایای متعددی نسبت به الگوریتم های بهینه سازی متعارف فراهم می کند. اول، نمایندگی گراف عاملی ماژولار است و با حداقل تغییرات کد می تواند به صورت حرکت افقی حل شود. این مهم است زیرا گرافی که در طول کالیبراسیون استفاده می شود، می تواند برای محلی سازی آنلاین انتهای عملگر نیز استفاده شود.

برای مورد محلی سازی آنلاین، گره های پارامتر سینماتیکی باید با استفاده از عوامل پیشین که با پارامترهای سینماتیکی از فاز کالیبراسیون اولیه سازی شده اند، محدود شوند و فاکتور مقیاس باید با یک دینامیک پیاده روی تصادفی بین مقادیر متوالی آنها زمان بندی شود.

فصل ۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادات برای آینده

باید بیان کنیم به چه چیزایی رسیدیم و تلفیق‌های ما برای چه چیزی مناسب است. و چرا جذاب و خوب و مناسب و مفید است. اینها باید با زبان نتیجه‌گیری بیان شوند. نباید بازگویی کنیم مثل یک ربات.

مراجع

- [1] Hall, David L and Llinas, James. An introduction to multisensor data fusion. *Proceedings of the IEEE*, 85(1):6–23, 1997.
- [2] Elatta, AY, Gen, Li Pei, Zhi, Fan Liang, Daoyuan, Yu, and Fei, Luo. An overview of robot calibration. *Information Technology Journal*, 3(1):74–78, 2004.
- [3] Idá, Edoardo, Merlet, Jean-Pierre, and Carricato, Marco. Automatic self-calibration of suspended under-actuated cable-driven parallel robot using incremental measurements. in *Cable-Driven Parallel Robots: Proceedings of the 4th International Conference on Cable-Driven Parallel Robots 4*, pp. 333–344. Springer, 2019.
- [4] Idà, Edoardo, Briot, Sébastien, and Carricato, Marco. Identification of the inertial parameters of underactuated cable-driven parallel robots. *Mechanism and Machine Theory*, 167:104504, 2022.
- [5] Ida, Edoardo. Dynamics of undeactuated cable-driven parallel robots. 2021.
- [6] Chang, Lubin, Li, Kailong, and Hu, Baiqing. Huber’s m-estimation-based process uncertainty robust filter for integrated ins/gps. *IEEE Sensors Journal*, 15(6):3367–3374, 2015.
- [7] Dellaert, Frank, Kaess, Michael, et al. Factor graphs for robot perception. *Foundations and Trends® in Robotics*, 6(1-2):1–139, 2017.
- [8] Ahmad, Aamir, Tipaldi, Gian Diego, Lima, Pedro, and Burgard, Wolfram. Cooperative robot localization and target tracking based on least squares minimization. in *2013 IEEE International Conference on Robotics and Automation*, pp. 5696–5701. IEEE, 2013.
- [9] Guibas, Leonidas J, Motwani, Rajeev, and Raghavan, Prabhakar. The robot localization problem. *SIAM Journal on Computing*, 26(4):1120–1138, 1997.
- [10] Aragues, Rosario, Carlone, Luca, Calafiore, G, and Sagues, C. Multi-agent localization from noisy relative pose measurements. in *2011 IEEE International Conference on Robotics and Automation*, pp. 364–369. IEEE, 2011.

- [11] Panigrahi, Prabin Kumar and Bisoy, Sukant Kishoro. Localization strategies for autonomous mobile robots: A review. *Journal of King Saud University-Computer and Information Sciences*, 34(8):6019–6039, 2022.
- [12] Yang, Lyuxiao, Wu, Nan, Li, Bin, Yuan, Weijie, and Hanzo, Lajos. Indoor localization based on factor graphs: A unified framework. *IEEE Internet of Things Journal*, 10(5):4353–4366, 2022.
- [13] Song, Yang and Hsu, Li-Ta. Tightly coupled integrated navigation system via factor graph for uav indoor localization. *Aerospace Science and Technology*, 108:106370, 2021.
- [14] Leitinger, Erik, Meyer, Florian, Tufvesson, Fredrik, and Witrisal, Klaus. Factor graph based simultaneous localization and mapping using multipath channel information. in *2017 IEEE International Conference on Communications Workshops (ICC Workshops)*, pp. 652–658. IEEE, 2017.
- [15] Wilbers, Daniel, Merfels, Christian, and Stachniss, Cyrill. Localization with sliding window factor graphs on third-party maps for automated driving. in *2019 International conference on robotics and automation (ICRA)*, pp. 5951–5957. IEEE, 2019.
- [16] Dai, Jun, Liu, Songlin, Hao, Xiangyang, Ren, Zongbin, and Yang, Xiao. Uav localization algorithm based on factor graph optimization in complex scenes. *Sensors*, 22(15):5862, 2022.
- [17] Hassani, A, Dindarloo, MR, Khorambakht, R, Bataleblu, A, Sadeghi, H, Heidari, R, Iranfar, A, Hasani, P, Hojati, NS, Khorasani, A, et al. Kinematic and dynamic analysis of arash asist: Toward micro positioning. in *2021 9th RSI International Conference on Robotics and Mechatronics (ICRoM)*, pp. 59–65. IEEE, 2021.
- [18] Forster, Christian, Pizzoli, Matia, and Scaramuzza, Davide. SVO: Fast semi-direct monocular visual odometry. in *IEEE International Conference on Robotics and Automation (ICRA)*, 2014.
- [19] Blueml, Julian, Fornasier, Alessandro, and Weiss, Stephan. Bias compensated uwb anchor initialization using information-theoretic supported triangulation points. in *2021 IEEE International Conference on Robotics and Automation (ICRA)*, pp. 5490–5496. IEEE, 2021.

پیوست آ

آشنایی سریع با برخی دستورات لاتک

پیوست ب

جدول، نمودار و الگوریتم در لاتک

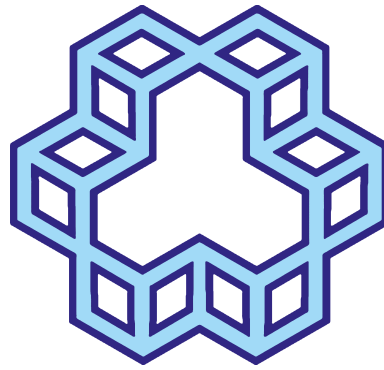
پیوست پ

مراجع، واژه‌نامه و حاشیه‌نویسی

Abstract

This thesis studies on writing projects, theses and dissertations using kntu-thesis class.
It ...

Keywords Writing Thesis, Template, \LaTeX , \Xy Persian



K. N. Toosi University of Technology
Faculty of ...- ... Group

Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the
Requirements for the Degree of Master of Science (M.Sc.)
in ... Engineering

Prepared template for writing projects, theses, and dissertations of K. N. Toosi university of technology

By:
Mohammad Sina Allahkaram

Supervisors:
First Supervisor and Second Supervisor

Advisors:
First Advisor and Second Advisor

Winter 2023